

## لغت عربی

شاید کسی از فضلا و دانشمندان حقیقی امروزه ایران اهمیت زبان عربی که برای هر فرد متبع و محقق و ادیب ایرانی دانستن آن از لوازم اولیه است زبان عربی میباشد چه ، آنکه برای تتبع و تحقیق مطالب نیاز تامی بمطالعه کتب دانشمندان متقدم ایران دارد و چنانکه میدانیم اکثر تألیفات همۀ ایرانیان پس از ظهور اسلام بلغت عربی نگارش یافته است و بعلاوه ؛ امروز لغت عربی یکی از زنده ترین لغات دنیای متمدن است که در قسمت عمده قطعه آسیا و افریقا رواج کامل دارد و خاور شناسان باختر و فضلا خاور هر کدام از جهت مخصوصی با نظر اهمیت باین زبان مینگردند - اما خاور شناسان باین علت بلغت عربی توجه خویش را معطوف داشته اند که منشاء تمدن و علوم آنها تمدن و علوم مسلمین بوده است باین شرح که :

ضمن چندکهای صلیبی بتفصیلی که در کتب تاریخ مذکور است ،

علت توجه (۱) در اندلس (اسپانیا) اروپائیان بآثار تمدن مسلمین خاور شناسان بزبان پرخورده و برای بدست آوردن آثار آن تمدن عالی بفرار گرفتن لغت عربی و ترجمه کتب عربی پرداختند و در تمام مدت قرون وسطی کلام فضلا اروپا ترجمه کتب مختلفه مسلمین که در انواع علوم نوشته بودند ، بوده و پس از انعام ترجمه کتب مورد حاجت بیعت و تحقیق مطالب آنها مشغول شدند و در نتیجه همان بیعتها و تحقیقات موفق بتأسیس و تشکیل تمدن درخشان امروزی گردیدند و بنام بر این خاور شناسان برای درک علل واقعی عظمت تمدن اسلامی که موجب پیدایش تمدن جدید خود آنها گردیده است ، باشوق و افری بفرار گرفتن لغت عربی میپردازند تا هم بتوانند مستقیماً استناده از کتبی کنند که در نتیجه ترجمه آنها اسلافشان

۱ . اینجاب در مقدمه کتاب ، تاریخ اسلام در کشور های اروپا و آمریکا ، کونگی استفاده اروپائیان را ضمن چندکهای صلیبی از ادالی اسپانیا مشروحاً نگاشته است .

موفق بایجاد تمدن جدید گردیده اند، و هم شاید بتوانند رموز دیگری از کتب مزبوره بدست بیاورند که از نظر متقدمین محوشده و ممکن است اتفاقاً مهم و مؤثر هم بوده .

اما فضلاء خاور مخصوصاً ایرانیها از آن جهت اهمیت باین لغت علت توجه میدهند و تحصیل آنرا لازم میدانند که زبانهایشان دارای فضلاء ایرانی بزبان کلمات بسیاری از لغت عربی است که بصورت لغتهای خود عربی آنها در آمده و چون مخاطب ما در این گفتار فارسی زبانان میباشد از اینجهت میگوئیم که : درموقع استیلاء عرب بر ایران لغات زیادی از زبان قوم غالب داخل در زبان قوم مغلوب یعنی ایرانیها شد و تاکنون هم بحال خود باقی است و از زبان فارسی جدا نشده است و بعبارت اخری پس از استیلاء عرب بر ایران زبان ایرانیان مرکب از لغات فارسی و عربی و پهلوی شد و بنا بر این همانطور که ایرانیان برای اینکه در زبان خود ادیب باشند ناچارند معانی لغات فارسی را بدانند ، همین طور هم ناچارند که معانی لغات عربی و موارد استعمال آنها را بدانند و چون دانشمندان ایرانی بخوبی متوجه این قسمت هستند از اینجهت قدیماً و جدیداً اهمیت شایانی بلغت عربی داده و در صدد فرا گرفتن آن بر آمده اند و غیر از این نظر در قدیم ، دانشمندان ایرانی نظر دیگری هم بلغت عربی داشته اند و آن اینست که : پس از ظهور اسلام ، قوم عرب شهرت جهانی یافته و در سایه تعالیم آنندین مقدس بفتح کشور های مختلفهئی از آنجمله ایران موفق شدند و طبیعی است که قوم مغلوب مایل بفرا گرفتن زبان و دین و عادات و رسوم قوم غالب میشود تا بتواند زندگانی خود را تأمین و عطوفت او را بخوبی جلب کند و چون عرب در قرن اول هجری بر ایران و کشور های دیگر غلبه یافته بود و اکثر اهالی این کشور ها هم طوعاً او کرهاً دین اسلام را قبول کرده بودند ، همین امر سبب شد که در قرن اول هجری لغت عربی شهرت عالمگیر پیدا کند و تمام توجه دانشمندان اقوام و ملل بطرف قومی که تا آنوقت هیچ مورد توجه نبود و همچنین بطرف لغت آنها جلب شود و با این حال ؛ بیشتر فضلاء چون بدین اسلام گرویده بودند برای اطلاع یافتن بر کنه حقائق قرآن و فهمیدن فصاحت و بلاغت آن بخوبی لغت عربی را فرا گرفتند .



دی بور (۱) مستشرق معاصر هلندی علت عمده توجه فوق العاده مسلمین را بلغت عربی این میدانند که بسیاری از اشخاصی که بدین اسلام نگرویده بودند و فقط بزبان عربی آشنائی داشتند اشتباهات نحوی زیادی بقرآن نسبت میدادند و مسلمین برای پاسخ دادن بآنها دقت و افری در لغت عربی کرده بقصد استدلال بر صحت استعمال لغات قرآن بمورد خود و درستی جمله های آن، لغات رایج بین بدویان و اشعار شعراء جاهلیت را جمع آوری مینمودند و برای اثبات صحت لغات و درستی عبارات بدویان و شعراء عرب هم که میخواستند از آنها بنفع قرآن نتیجه بگیرند، ملاحظاتی کلی بر هر يك از لغات و اشعار میافزودند (۲)

اگر چه اینعلت که دی بور بآن اشاره کرده است علت عمده توجه مسلمین بلغت عربی بشمار میرود ولی بمقیده ما نمیتوان علت مزبور را یکلانه علت این توجه دانست زیرا که: بدون در نظر گرفتن اعتراضات مخالفین بر قرآن، مسلمین برای فهم و درک معانی کلمات آیات قرآنی و استنباط احکام از آنها توجه فوق العاده بلغت عربی مبذول میداشتند و علت این توجه عمده تراز علتی میباشد که دی بور ذکر کرده است و ضمناً باید دانست که اهمیت لغت عربی و اشتهار آن تنها بواسطه نزول قرآن بآن لغت نیست بلکه بیشتر از این جهت لغت عربی دارای اهمیت است که مفردات فراوان و تعبیرات بسیار و استعداد زیاد برای قبول اشتقاق و بلاغت کافی برای اداء معانی بسیار با لفظ اندک دارد و نظر باینجهاست که میتوان ادعاء نمود کمتر لغتی در دنیا هست که با لغت عربی قابل همسری باشد و شاید هم فی الواقع غیر از لغت لاتین و سانسکریت (۳) که هر دو

T.J.De Boer(۱)

(۲) تاریخ فلسفه در اسلام؛ ص ۳۳

(۳) زبان لاتی منسوب بقوم لاتین (Latins) است و اینقوم از نژاد قبائل کوهستانی

ساین (Sabins) بوده اند که در ولایت لاسیوم (Latium) از ولایات ایتالیا ی قدیم

سکونت داشته اند و لاسیوم در جنوب رود تیبر (Tibre) واقع بوده و زبان سانسکریت

( Sanscrit ) مهمترین شاخه زبانهای هند و اروپایی است که در ازمنه قدیمه در مشرق

زمین بآن تکلم میکردند .

از ریشه هند و اروپائی بوجود آمده است، لغت دیگری نباشد که با این لغت سامی بتواند دعوی برابری کند و سر اینکه لغت عربی باندک زمانی لغت علمی شد و روز بروز هم بر اهمیت آن افزوده گردید، همین امور یعنی داشتن مفردات فراوان و نیروی تعبیرات بسیار و استعداد زیاد برای قبول اشتقاق و بلاغت کافی معانی ادا شده بکلمات اینزبانست و پس از اسلام هم تنها مسلمین با اهمیت ادبی و علمی آن کمک نکردند بلکه بسیاری از ملل غیر مسلمان در این افتخار شرکت دارند و حتی در برخی از اوقات بعضی از افراد ملل غیر مسلمان در این موضوع بر مسلمین پیشی جسته اند چنانکه بیشتر کتب طبیبی یونانی را دانشمندان سریانی و عبرانی غیر مسلمان و غیر هم عربی ترجمه کرده اند و ابن اصیبه، قریب سی نفر را از همین اشخاص نام میبرد که در ایام خلفاء اولیه عباسی بترجمه کتب مهمه و متعدده طب یونانی عربی پرداخته اند (۱) و در سائر علوم و فنون و انواع ادبیات عربی هم شرکت ملل غیر مسلمان خالی از تأثیر زیاد نیست چنانکه همین حالا آباء یسوعیین بیروت هستند که پرچم فصاحت لغت ناطقین به وضاد را بالاتر از پرچمهای فصاحت لغات دیگر بر فراز کنگره ادبیات بین المللی جهان افراشته اند و سالی نیست که بوسیله مطابع ظریفه خود کتاب مهمی باین لغت اهداء میکنند در قرن ششم هجری هم ابن تلمیذ ملقب باهین الدولة طبیب که از عظامه و قسیسین نصاری بغداد بوده بقدری بنظر اهمیت بلغت عربی مینگرسته که در شرح حالش نوشته اند: درحین تدریس طب (که بهیچوجه ربطی با ادبیات هم ندارد) همیشه دو نفر از نجاة بغداد را حاضر مینمود که اگر محصلین طب در ضمن مباحثات و مناظرات شبههئی در اعراب کلمات یا لحنی در تقریر عبارات عربی کنند، آندو نفر از آنها رفع شبهه نمایند (۲) و از این قبیل مردم که با وجود مسلمان نبودن بترویج لغت عربی اهتمام میورزیده اند بسیار است و علت تمام این قبیل اهتمامات نیست مگر اینکه خود لغت عربی دارای اهمیت ذاتی و اصلی و قابل این توجهات میباشد.

(۱) برای شناختن این مترجمین رجوع بکتاب «عیون الابیاء» ج ۱، ص ۲۰۳-۲۰۶ شود

(۲) مطارح الانظار؛ ج ۱، ص ۲۲۷